از گوشه و کنار

قطع دست پسربچه ۹ ساله در پله برقی پل عابر پیاده

روز جمعه ۱۳ مردادماه، دست یک بچه ۹ ساله در پله برقی پل عابر مکانیزه تختی قطع و این کودک به بیمارستان امام خمینی منتقل شد. به گزارش رکنا، در همین رابطه شهرداری تهران طی اطلاعیه‌ای دلیل این حادثه را بی‌احتیاطی کودک و والدین‌اش عنوان و اعلام کرد: به‌اطلاع می‌رساند کودک در پله برقی که در مسیر پایین رو به‌صورت نشسته در حال حرکت بوده و دست خود را روی سطح پله قرار داده بود. پس از رسیدن به سطح ثابت انگشتان وارد دندانه‌های پایانی پله شده و به داخل کشیده شده که پس از آن بلافاصله مکانیزم ایمنی صفحه ثابت درگیر شده و فرمان خاموش شدن پله برقی صادر شده است.

تیراندازی شکارچیان به محیط‌بان شاهرودی

رئیس حفاظت محیط زیست شاهرود گفت: در تیراندازیِ ۳ شکارچی شرور به محیط‌بانان در منطقه شکارممنوع تپال، محیط‌بان علیرضا دزیانیان مصدوم و به بیمارستان انتقال یافت. به گزارش فارس، علی‌اکبر قربانلو افزود: ۲ ضارب دستگیر شدند ولی ضارب اصلی این محیط‌بان متواری و تحت تعقیب است.

شعله‌های آتش همچنان زبانه می‌کشد
سوختن ۳۰۰ هکتار از جنگل‌های زاگرس در مریوان

فرمانده یگان حفاظت منابع طبیعی ایران از وقوع آتش‌سوزی در حدود ۳۰۰ هکتار از جنگل‌های زاگرس در شهرستان مریوان در دو روز گذشته خبر داد. به گزارش ایسنا، رضا اکبری گفت: از روز پنجشنبه در چهار نقطه از جنگل‌های شهرستان مریوان آغاز شد که البته عصر جمعه به تناوب این آتش‌سوزی‌ها مهار شد، اما شرایط توپوگرافی منطقه و وزش باد شدید، شعله‌ور شدن آتش در بخش‌هایی از جنگل را به همراه داشت. این در حالی است که تا دیروز (شنبه) حریق در منطقه دره‌وران شهرستان مریوان همچنان ادامه داشت.

توکلی خبر داد؛
۱۵ هزار و ۲۳۰ تماس با اورژانس در ارتباط با گرمازدگی

رئیس سازمان اورژانس تهران از ثبت ۱۵ هزار و ۲۳۰ تماس شهروندان پایتخت در ارتباط با گرمازدگی خبر داد. محمد اسماعیل توکلی افزود: این تماس‌ها در روزهای تعطیلات آخر هفته (چهارشنبه تا جمعه) گرفته شده است. به گفته او از این جمله ۱۹۶ مورد دارای ضعف و بی‌حالی و ۶۶ مورد نیز دچار گرمازدگی بوده‌اند. توکلی همچنین از مردم خواسته که حتی‌الامکان نباید بین ساعات ۱۰ تا ۱۶ از منزل خارج شوند.

اختیار به استان‌ها برای تغییر ساعت آغاز به کار مدارس

به گفته معاون دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش، بر اساس آیین‌نامه‌های موجود، این اختیار به استان‌ها داده شده است تا با هماهنگی ستاد و با توجه به شرایطی که دارند ساعت شروع آغاز به کار مدارس را تعیین کنند. به گزارش ایسنا، احمدرضا دواندیش افزود: برای مثال برخی استان‌ها که گرمای بیشتری دارند می‌توانند از این امکان استفاده کنند.

خسارت بیش از هزار میلیارد تومانی سیل در سیستان و بلوچستان

مدیر کل ستاد بحران سیستان و بلوچستان گفت: بر اساس برآوردهای اولیه سیلاب اخیر در جنوب این استان یک‌هزار و ۱۰۰ میلیارد تومان خسارت به زیر ساخت‌ها وارد کرده است. به گزارش ایسنا، مجید محبی افزود: بیشترین خسارت‌ها به بخش راه و کشاورزی، به‌ویژه در شهرستان‌های فنوج، قصرقند، سرباز، نیکشهر و مهرستان وارد شده است.

هشدار وقوع توفان شن در قم، سمنان، سیستان و خراسان جنوبی

با صدور هشدار سطح نارنجی از وزش باد شدید در چهار استان قم، سمنان، سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی خبر داد که در نواحی مستعد منجر به توفان شن می‌شود. در اطلاعیه سازمان هواشناسی از افراد سالمند و بیمارهای تنفسی و قلبی از رفت وآمدهای غیرضروری در سطح شهر خودداری کنند.

آموزش عالی درگیر گزینش، اخراج، انفصال ... و فاجعه‌ای به نام سهمیه‌بندی است

دانشگاه‌ها در خط مقدم شبیخون یکدست‌سازی و تصفیه

سعیده علیپور

ماشین «حمایت و پشتیبانی از جریان‌های اصیل و معتقد انقلابی» که دولت سیزدهم پشت فرمان آن نشسته است، این روزها بدون ترمز پیش می‌رود و مشغول حذف تمام جریان‌های فکری غیرهمسو در کشور است.

دیروز معاون علمی و فناوری دولت رئیسی در حالی با تاکید بر همین موضوع پشتیبانی از جریان‌های انقلابی از «حل اساسی معضل ناهنجاری‌های فرهنگی شرکت‌های استارتاپی» سخن گفت، که بسیاری معتقدند شبیخون یکدست‌سازی و تصفیه به‌شکلی ضربتی در اغلب مجموعه‌های کشور در جریان است و در خط مقدم آن دانشگاه‌ها قرار گرفته‌اند. دانشگاه‌هایی که مدت‌هاست بدنه آن در معرض مصوبه‌ها، ابلاغیه‌ها، انفصال‌ها، بازنشستگی‌ها، اخراج‌ها، تعلیق‌ها، سهمیه‌ها و ... و به اعتقاد بسیاری در مسیری فاجعه‌بار تنزل علمی حرکت می‌کند.

دیروز نامه‌ای از رئیس دانشگاه علوم پزشکی مشهد به وزیر بهداشت منتشر شد که در آن از احتمال «بروز فاجعه تربیت نامناسب شاغلین حرفه پزشکی» سخن به میان آمده بود. هشدار او هرچند به افزایش افسار گسیخته ظرفیت پذیرش در این رشته برمی‌گشت، اما به اعتقاد فعالان دانشگاهی «فاجعه» جاری در آموزش عالی کشور تنها به این دلیل نیست؛ از اخراج و تعلیق و دانشجویان و تصفیه اساتید که بگذریم، افزایش چشمگیر ورود دانشجویان سهمیه‌ای و جذب این گروه در هیات علمی دانشگاه‌ها، این مکان علمی را با سرعت فراوانی به سمت سقوط هل دهد.

اخراج معترضان و ورود سهمیه‌ای‌ها

بنابر گزارش‌های متعدد از دانشگاه‌های باهنر کرمان، شهید بهشتی و تهران، تعدادی از اساتید در همین روزهای اخیر حکم انفصال و اخراج دریافت کرده‌اند. همچنین اخیرا محسن رنانی، عضو هیات علمی گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان در یادداشتی با عنوان «شام غریبان دانشگاه» در کانال تلگرامی خود از تعلیق دو استاد دانشکده الهیات دانشگاه اصفهان خبر داد. اساتیدی که رنانی از آنها با صفات «عالم و آزاده» یاد کرده است.

موارد تنها به اینها خلاصه نمی‌شود و اخراج اساتید در برخی دیگر از دانشگاه‌های کشور نیز به اشکالی کمتر رسانه‌ای شده در جریان است. مواردی که بسیاری دلیل آن را حمایت این اساتید از دانشجویان معترض می‌دانند اما وزارت علوم آن را به فرآیند بروکراتیک خود حواله می‌دهد و از پاسخ به کُنه ماجرا طفره می‌رود.

در سوی دیگر، تعلیق و اخراج و توبیخ دانشجویان هم رویه‌ای مشابه دارد که این بار به وضوح مشمول دانشجویان معترض می‌شود. وزارت علوم هرچند قادر نیست به سیاسی بودن دلیل اخراج اساتید اعتراف کند، اما اخراج و تعلیق دانشجویان را با اشاره به اساسنامه‌های تازه ابلاغ شده، همین اعتراضات می‌داند.

باز شدن درهای خروجی و بیرون راندن نیروهای دانشگاهی غیر خودی، در آن سوی ماجرا سبب شده تا درهای ورودی دانشگاه هم گشادتر از همیشه شود و با افزایش ظرفیت‌ها، عرصه برای ورود باز شود؛ البته نه با تکیه بر توان علمی داوطلبان، بلکه با تکیه بر همان شعار همیشگی این روزها؛ «حمایت و پشتیبانی از جریان‌های اصیل و معتقد انقلابی»؛ به طوری که گفته می‌شود، تنها در آخرین دوره ورودی آزمون دستیاری پزشکی ۶۲ درصد قبول‌شدگان تخصص قلب کشور، از پزشکان سهمیه‌ای بوده‌اند! - که در خصوص پذیرش هیات علمی دانشگاه‌ها هم صدق می‌کند. یعنی اولویت با آنهایی است که از سهمیه‌ها و رانت‌هایی برخوردار باشند، نه آنها که توان علمی مناسبی در رشته تخصصی خود دارند و قادرند سطح علمی دانشگاه را در منطقه و جهان با مقالات و دانش و دستاوردهایشان ارتقا دهند.

بنابر گزارش‌های متعدد از دانشگاه‌های باهنر کرمان، شهید بهشتی و تهران، تعدادی از اساتید در همین روزهای اخیر حکم انفصال و اخراج دریافت کرده‌اند. اخیرا محسن رنانی، عضو هیات علمی گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان نیز از تعلیق دو استاد دانشکده الهیات دانشگاه اصفهان خبر داد

خبرهای پرتکرار از تعلیق دانشجویان و اخراج اساتید

حذف برخی اساتید رویه جدیدی در دانشگاه‌ها نیست. سال‌هاست که با روی کار آمدن جریان‌های تندرو در وزارت علوم، شماری از اساتید مشمول همین موضوع می‌شوند. هر چند این حذف‌ها هیچ‌گاه به عنوان اخراج از سوی مدیریت دانشگاه‌ها و وزارت علوم مورد پذیرش نبوده است، اما این قانون نانوشته در ماه‌های اخیر و در پی حمایت برخی اساتید از اعتراضات و دانشجویان معترض با شدتی بیش از گذشته تکرار می‌شود. نگاهی به ابلاغ شیوه‌نامه جدید انضباطی به دانشگاه‌ها که در آن جرایم سنگین‌تر از گذشته شده است، احتمالا موید این ادعاست.

در حالی که در حدود یک سال اخیر اسامی دانشجویان و اساتید اخراجی و تعلیقی و انفصال از خدمت و بازنشسته اجباری بسیاری منتشر شده اما در همین روزها زمزمه اخراج و قطع همکاری دکتر بهارک اختردانش و محمدمهدی علومی از اساتید گروه دامپزشکی دانشگاه شهید باهنر کرمان به دلیل حمایت از دانشجویان در صفحات مجازی خود، همچنین دکتر رهام افغانی خراسکانی، عضو هیات علمی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه بهشتی به گوش می‌رسد. چندی پیش هم دکتر فرهاد شریعت‌راد از دیگر اساتید این دانشکده همین موضوع را تجربه کرد.

از دانشگاه تهران نیز اخباری در خصوص احتمال قطع همکاری با ناصر مقدم کوهی، استاد گروه ارتباط تصویری منتشر شده است.

سال گذشته هم خبرهای فراوانی در خصوص اخراج برخی از اساتید دانشگاه هنر، تهران، شهید بهشتی، فردوسی مشهد، صنعتی شریف، آزاد اسلامی و ... منتشر شده بود که دلیل اصلی آنها همراهی با دانشجویان معترض اعلام شد.

در همان زمان انتشار نامه ۹ استاد دانشگاه آزاد تهران به رئیس دانشگاه آزاد در خصوص اخراجشان از دانشگاه مهر تابیدی، بر سخنان کسانی بود که مدعی اخراج به دلایل سیاسی بودند. در نامه این ۹ استاد دانشگاه آزاد آمده بود در حالی که سرگرم برگزاری امتحانات بودند دفتر ریاست دانشکده، تلفنی و بدون هیچ مقدمه قبلی از آنها خواست به امور اداری مراجعه و تشریفات بازنشستگی خود را انجام دهند. در حالی که این اساتید بازنشستگی خود را اجباری و معطوف به حذف لایه‌های دورتر از قدرت می‌دانستند، محمد قربانی، معاون امور مجلس و سخنگوی دانشگاه آزاد اسلامی اخراج این اساتید در پی اعتراضات اخیر را کاملا رد کرده و گفته بود که مساله کاملاً اداری بوده و براساس مقررات عضو هیأت علمی در مرتبه استادیاری با سن ۶۰ یا ۳۰ سال خدمت، بازنشسته می‌شوند.

دیروز هم مدیر کل دبیرخانه هیات مرکزی گزینش کارکنان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در گفت‌وگو با ایلنا این ماجرا را عادی تلقی کرد و به امور اداری حواله داد و گفت: «استاد حق‌التدریس در واقع چند ساعتی در یک دانشگاه کلاس دارد و پولش را می‌گیرد تا ترم بعدی شروع شود و برای ترم‌های بعدی، دانشگاه ممکن است با آن استاد مجددا قرارداد ببندد یا نبندد، اما در خصوص سایر اساتید، برای اینکه به‌صورت رسمی با دانشگاهی همکاری داشته باشند، باید در فراخوان‌های جذب دانشگاه‌های گوناگونی که مدنظر دارند، شرکت کنند که این فراخوان‌ها تا رسیدن به جذب روند مشخصی دارد که همیشه طی می‌شود».

بازشدن درهای خروجی و بیرون راندن نیروهای دانشگاهی غیر خودی، سبب شده تا درهای ورودی دانشگاه هم گشادتر از همیشه شود و با افزایش ظرفیت‌ها، عرصه برای ورود باز شود؛ البته نه با تکیه بر توان علمی داوطلبان، بلکه با تکیه بر همان شعار همیشگی این روزها؛ «حمایت و پشتیبانی از جریان‌های اصیل و معتقد انقلابی»

سعید ظروفی، ادامه داد: «صلاحیت این اساتید برای جذب در هیات علمی دانشگاه‌ها به صورت رسمی، باید از مسیرهای مختلف طی شود و صلاحیت علمی، عمومی و حراستی آن‌ها هر کدام جداگانه گذرانده می‌شود که روندی طولانی هم دارند. همچنین مصاحبه‌هایی در هر دانشگاه به شکل‌های متفاوتی گرفته می‌شود تا مسئولان دانشکده‌ها، در خصوص اینکه استاد مورد نظر در زمینه‌های ضروری صلاحیت دارد یا خیر، به قطعیت برسند».

حتی در صورت صحت غیرسیاسی بودن این تصفیه‌ها، بسیاری خبر حذف سال گذشته محسن برهانی، حقوقدان و «دانش‌آموخته حوزه علمیه قم»، از هیات علمی دانشگاه تهران، را تماما سیاسی می‌دانند. برهانی صدور و اجرای احکام اعدام برای معترضان را مورد پرسش قرار داده و توییت‌هایی را درباره تلاش‌ها برای پرونده‌سازی و اخراجش از دانشگاه منتشر کرده بود.

در حالی این روزها بسیاری نگران تک‌قطبی شدن، هرچه بیشتر فضاهای آکادمیک هستند که به‌نظر می‌رسد، این شیوه برخورد در فضای دانشگاه، حس ناامنی را در بین دانشجویان تقویت و آثار مخرب روانی فراوانی هم به دنبال خواهد داشت.

در این میان یکی از نگرانی‌های بزرگ دانشجویان و اساتید در ایران نزول قابل توجه سطح علمی دانشگاه‌هاست. هیچ‌یک از دانشگاه‌های ایران در میان دو هزار دانشگاه معتبر جهان قرار ندارد و این در حالی است که ایران به گفته استادان و کارشناسان آموزشی کشور دارای ظرفیتی بسیار بالا برای عرضه توان علمی خود در سطح بین‌المللی است.

گزارش

استاد پژوهشگاه زلزله‌شناسی خطاب به شهردار تهران؛

ریسک بالای زلزله در تهران توهم نیست!

بحث زلزله زلزله احتمالی در تهران نه فقط یک هشدار و توصیه بلکه یکی از خطرهای مهم و بزرگ این شهر محسوب می‌شود، علی‌رغم همه نگرانی‌ها و هشدارهایی که در این خصوص وجود دارد، علیرضا زاکانی، شهردار تهران چندی پیش مدعی شد که ۳ هزار سال است که در تهران زلزله‌ای نیامده و تهدیدی در این حوزه، متوجه تهران نیست.

به گزارش خبرآنلاین، زلزله‌شناس و استاد پژوهشگاه زلزله‌شناسی اما این نگاه را نادرست دانست و گفت: ریسک بالای زلزله در تهران توهم نیست اتفاقا خطاب اصلی کارشناسان این حوزه مسئولان و مدیران اجرایی کشور هستند.

مهدی زارع، افزود: تهران به عنوان مهم‌ترین کانون جمعیتی کشور روی گسل‌های فراوانی توسعه یافته است و باید مهم‌ترین ناحیه از نظر ریسک زلزله در ایران قلمداد شود و ببینیم که چقدر کارهایی برخلاف درس‌های زلزله‌های گذشته انجام داده‌ایم که به‌ویژه در بیست ساله اخیر سطح ریسک زلزله را در این شهر بالا برده‌ایم.

این استاد زلزله‌شناس افزود: آخرین اتفاقی که واقعا خرابی جدی به بار آورده، زلزله سال ۱۸۳۰ میلادی است که الان ۱۹۰ سال از آن می‌گذرد. چون فاصله زلزله‌ها زیاد است، مردم این موضوع را فراموش می‌کنند.

او با اشاره به تاریخچه زلزله‌های تهران گفت: گسل شمال تهران هر ۳ هزار تا ۳۵۰۰ سال یک زلزله مهم در حدود ۳۰ هزار سال گذشته نشان داده است. بخش شرقی گسل مشا، همان جایی که از دماوند عبور می‌کند، حدود هزار و ۱۰۰ سال یک زلزله مهم در ۱۰ هزار سال گذشته نشان داده است. در بخش مرکزی آن، قسمتی که از نزدیکی شمال تهران از روستای کلان لواسانات رد می‌شود و تا میگون و شهرستانک ادامه پیدا می‌کند، علارغم وجود شواهد فعال بودن گسل، هیچ زلزله تاریخی و دستگاهی شاخصی ثبت نشده، و مطالعه خاصی هم روی آن انجام نشده است. به هر حال به نظر می‌رسد که با یک قفل شدگی و نبود لرزه‌ای مهم در راستای گسل مشا - قطعه مرکزی - مواجهیم که اتفاقا بخش مهمی هم هست و بخش‌هایی از مناطق چهار و یک شهرداری تهران حدود ۱۵ کیلومتر با آن فاصله دارند. در مورد گسل‌های دیگر مانند پردیسان که از وسط شهر تهران رد می‌شود، یا گسل‌های ری و کهریزک و همچنین گسل ایوانکی اطلاعات کمتری در مورد بازگشت زمین لرزه‌ها داریم.

این استاد پژوهشگاه زلزله‌شناسی درباره گسل‌های شهر ری نیز اضافه کرد: در مورد گسل‌های ری و کهریزک یک مطالعه نشان داد که برونزد افتگاهی که به این گسلها نسبت داده شده، به سطوح ژئومورفیک کنار سواحل دریاچه‌ای قدیمی - و نه گسل‌ها - مربوطند.

همزمان با همان بررسی‌ها حداقل سه مثاله بر روی گسل کهریزک در مجلات معتبر منتشر شد و نشان داد که گسل کهریزک گسلی فعال و لرزه‌زا در جنوب تهران است. اما در کل می‌دانیم که هر ۲۰۰ سال، به‌طور متوسط یک زمین لرزه بزرگ در این محیط اتفاق افتاده است. آخرین باری که در این محیط زلزله آمده ۱۹۰ سال پیش بوده است. به گفته او البته به این معنی نیست که الزاما سر ۱۰ سال دیگر زلزله بزرگی اتفاق می‌افتد؛ ممکن است زودتر یا دیرتر چنین اتفاقی بیفتد. اما اگر به بازگشت زلزله‌ها روی خود گسل هم توجه کنیم، متوجه می‌شویم که در پنجره زمانی‌ای هستیم که زلزله می‌تواند اتفاق بیفتد.

زارع در خصوص مناطقی که ریسک بالایی در خصوص زمین لرزه دارند گفت: ریسک زلزله شدید در تهران به دلیل وجود بافت فرسوده و جمعیت زیاد و همچنین نزدیکی به پهنه گسل‌های فعال در شهر تهران در این نواحی به نسبت بالاتر است: مناطق ۱۲ و ۱۶ شهرداری و منطقه راه‌آهن، محور خیابان انقلاب و آزادی، ارگ قدیم تهران حدفاصل خیابان شوش، هفده شهریور، انقلاب و کارگر جنوبی و بازار تهران، خیابان مولوی، میدان بهارستان، میدان امام خمینی، محله امیریه و خیابان جمهوری اسلامی.

بر اساس آخرین سرشماری سال ۱۳۹۵، در شمال تهران ۲/۱ میلیون نفر و در محور مرکز به سمت جنوب تهران (در مناطق ۸ تا ۲۱ شهرداری تهران) حدود پنج میلیون نفر در نزدیکی پهنه‌های گسل‌های فعال زندگی می‌کنند، البته این تنها ریسک مرتبط با زلزله برای شهر تهران نیست و فقط برآوردی از جمعیت ساکن در «پهنه‌های گسل در شمال و جنوب شهر» را نشان می‌دهد و بدیهی است موضوع تراکم بالای جمعیت و بافت فرسوده به‌ویژه در مناطق ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۷ تهران خود مسأله‌ای جداگانه است. جنبش شدید در محدوده پهنه گسل و در بافت‌های فرسوده حدود ۵/۳ میلیون نفر، یعنی ۵۶ درصد جمعیت تهران را شامل می‌شود.